



چهره باطنی لجاجت ها در کسب مقام و موقعیت / همه قلب ها در دست خداست

نمادی از کوتاهی بینش و بصیرت، ریز شدن در امور کم اهمیت یا بی اهمیت، دل سپردن به تعرف و تمجید دیگران، فکر مشغولی نسبت ...

"لجاجت" نمادی از کوتاهی بینش و بصیرت، ریز شدن در امور کم اهمیت یا بی اهمیت، دل سپردن به تعرف و تمجید دیگران، فکر مشغولی نسبت به جلوه های زودگذر زندگی و نداشتن سعه صدر به هنگام رویا رویی با دیگران است. به گزارش خبرگزاری مهر، لجاجت یکی از جلوه های منفی و ناشایست افراط در کسب مقام و موقعیت اجتماعی است که به صورت اصرار بر حقانیت خود و پافشاری بر بطلان گفتار و رفتار دیگران خود را نشان می دهد که دارای دو چهره باطنی است: حق بودن ما و باطل بودن طرف مقابل در واقع، و حقیقت ماجرا باطل بودن ما و حق بودن طرف مقابل در واقعیت و حقیقت موضوع.

آغاز ورود ما به جامعه، شروعی شیرین برای اثبات شخصیت خود و در پی آن باعث "شهرت" و گاه "محبت و محبوبیت" در جامعه می شود، به گونه ای که حاضریم برای این موقعیت ممتاز یعنی ارائه شخصیتی مستقل و پایدار، فرصت های بسیار و ثروت های فراوان صرف کنیم تا در هر کوی و برزن، ناحیه و محله و یا شهر و دیار ما را به بزرگی و عظمت بنگرند و با احترام خاصی از ما یاد کنند.

این ویژگی ذاتی و همگانی که از آن به "حب بقا یا عشق به جاودانگی در زندگی" نام می برند گاه با اعتدال همراه است و در بسیاری از مواقع با افراط عجیب می شود و راه انسان را به بیراهه ها و حتی پرتگاه ها می رساند.

اعتدال آن با حفظ اصول و بنیان های تعریف شده در ارتباط های فردی و اجتماعی است که از آن میان حرمت نفس، عزت نفس و اعتماد به نفس است تا در پرتو هریک خردمندانه اعتباری ماندگار نصیب و در پایان حیات، خشنودی و خرسندی فراهم می شود. و افراط آن یافتن موقعیت خانوادگی و اجتماعی با از دست دادن عزت نفس، حرمت نفس و اعتماد به نفس است، همانند کسانی که برای بدست آوردن دلها به انواع ذلت ها همانند چاپلوسی و تملق تن می دهند تا لبخند اطرافیان را به سوی خود جلب کنند و آنان را راضی نگه دارند، غافل از آنکه واژه ها بار خاصی و بوی ویژه ای به همراه دارد و بسیاری از مخاطبان ما از درون پی به دروغ بودن کلمات و عبارات و رنگ و نیرنگ چاپلوسان می برند و با چشمان خود قضاوت دل و اندیشه خود را بازگو می کنند.

در نگاه شخصیت های قدسی تعریف و تمجید بستگان و اطرافیان هرگز به طور مستقل به دور از تاثیرگذاری خداوند در دلها و دیده ها فراهم نمی شود، زیرا پروردگار مهربان "مقلب القلوب" است و چون قلب ها به دست اوست، از مسیر خداجویی و خداجویی در تمام عرصه های زندگی یعنی انجام تکالیف و عمل به وظیفه به این مهم می توان دست یافت و چونان قطره ای به اقیانوس جاودان رسید و ابدی شد.

پیامبر پر مهر و حکیم فرمود: اگر دوست داری خدا تو را دوست داشته باشد خوف از او داشته باش و در زندگی خویش پرهیزگاری را شیوه همیشه خود کن و اگر می خواهی نزد مردم محبوب و مقبول باشی نخست به آنان نیکی و خدمت کن، دوم هیچ امید و طمعی به دارایی های آنان نداشته باش تا همیشه عزیز و سربلند باشی. (بحارالانوار، ج 82، ص 164)

در نگاهی دیگر "لجاجت" نمادی از کوتاهی بینش و بصیرت، ریز شدن در امور کم اهمیت یا بی اهمیت، دل سپردن به تعرف و تمجید دیگران، فکر مشغولی نسبت به جلوه های زودگذر زندگی و نداشتن سعه صدر یا دریا دلی به هنگام رویا رویی با دیگران است.

پیامبر بزرگوار اسلام با بینش روشن خویش فرمود: هرکس در حالی که حق به جانب اوست از لجاجت صرف نظر کند، خانه ای در قسمت بالای بهشت برای او بنا می شود و هر کس در حالی که بر باطل است از لجاجت چشم بپوشد خانه ای در وسط بهشت برای او بنا می شود. (مستدرک الوسائل، ج 9، ص 76)

لجاجت باعث تباهی و تیرگی عقل می شود نه تنها ضرر و زیان بر ما وارد می کند بلکه دشمنان ما را فروزانتر می کند و گفتنی است لجاجت و پافشاری در دستیابی به خواسته های خوب و خدایی به هنگام راز و نیاز با پروردگار مهربان نه تنها نکوهش نشده بلکه صفتی ستودنی است که از سوی پیشوایان ما ستایش بسیاری شده است که فرموده اند: خداوند در خواست کننده لجوج را دوست دارد. (بحارالانوار، ج 93، ص 300)